

هفتم صفر شهادت امام حسن مجتبی (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">

دوره های زندگی امام حسن (علیه السلام)

امام حسن مجتبی (علیه السلام) در شب نیمه رمضان سال سوم هجری در مدینه چشم به جهان گشود و حدود هفت سال از دوران زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را درک کرد و پس از آن حضرت حدود سی سال با پدر بزرگوارشان علی بن ابی طالب (علیه السلام) ملازمت داشت. بعد از شهادت امیرالمؤمنان (علیه السلام) به مدت ده سال عهده دار مقام امامت بودند و در 28 صفر سال پنجاه هجری در سن 47 سالگی به دستور معاویه بن ابی سفیان و به دست جعده دختر اشعث بن قیس مسموم شد و بر اثر همان زهر به شهادت رسید.

چگونگی شهادت امام حسن (علیه السلام)

حکومت اموی پس از تحمیل صلح بر امام حسن (علیه السلام) گرچه به بسیاری از اهداف خود رسیده بود، ولی هم چنان وجود امام حسن (علیه السلام) مانع از به اجرا درآوردن برخی از نیت پلید آنان بود. از جمله اهدافی که معاویه دنبال می کرد تعیین جانشین برای خود بود. وی از اجرای این تصمیم که برخلاف مفاد صلح نامه او با امام حسن (علیه السلام) بود وحشت داشت و می دانست که اگر در زمان حیات آن حضرت به چنین کاری دست بزند، بدون شک با مخالفت شدید حسن بن علی (علیه السلام) روبه رو خواهد شد. بر این اساس تصمیم گرفت از هر راه ممکن امام (علیه السلام) را به شهادت برساند. پس از بررسی های زیاد جعده همسر امام حسن (علیه السلام) را مناسب ترین فرد برای تحقق بخشیدن به این هدف پلید دید. آن گاه به صورت محرمانه و با ارسال صدهزار درهم به جعده، به او قول داد که اگر امام حسن (علیه السلام) را به شهادت برساند او را به همسری یزید درخواهد آورد. بدین وسیله جعده آن حضرت را با ریختن زهر در آب آشامیدنی مسموم کرد و طولی نکشید بر اثر آن، امام حسن (علیه السلام) به شهادت رسید.

وصیت امام حسن (علیه السلام)

چون امام حسن (علیه السلام) را مسموم کردند و حال او دگرگون شد برادرشان امام حسین (علیه السلام) به بالین آن حضرت حاضر شدند. وقتی جویای احوال او گشتند امام حسن (علیه السلام) فرمودند: «خود را در اولین روز از روزهای آخرت و آخرین روز از روزهای دنیا می بینم». در ادامه، این گونه وصیت فرمودند: «گواهی می دهم به وحدانیت خدا و این که برای او شریکی نیست و تنها او سزاوار پرستش است. هرکه اطاعت او را در پیش گیرد رستگار می شود و هرکه نافرمانی اش کند گم راه می گردد و کسی که از گناهان و تقصیراتش به نزد او توبه کند هدایت می شود. ای حسین، جنازه مرا در کنار جدم رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دفن کن به شرط آن که کسی مانع این کار نباشد. اگر تو را از این کار باز داشتند مبادا بر آن پافشاری کنی؛ چون راضی نیستم به خاطر این کار قطره ای خون به زمین ریخته شود».

اشعار امام حسین (علیه السلام) در سوگ برادر

وقتی از دفن جنازه امام حسن (علیه السلام) در کنار مرقد جد بزرگوارش پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) جلوگیری کردند، امام حسین (علیه السلام) دستور دادند جنازه را به بقیع منتقل کردند و آن را در کنار قبر جده اش فاطمه بنت اسد در خاک نهادند. طبق روایت ابن شهر آشوب وقتی امام حسین (علیه السلام) از دفن جنازه برادر فارغ شد اشعاری به این مضمون در سوگ برادر بر زبان جاری فرمودند: «حالا که بدن مطهر تو را با دست خود کفن کرده، در قبر گذاشتم از این بعد چگونه می توانم شاد باشم و خود را آراسته سازم یا از زینت ها و امکانات دنیا بهره گیرم؟ من از این به بعد همواره در سوگ تو اشک خواهم ریخت و اندوهم در فراق تو طولانی خواهد شد. غارت زده کسی نیست که مالش را به غارتت برده اند؛ بلکه غارت زده کسی است که مصیبت مرگ برادر را دیده باشد».

فضیلت و آثار گریه بر مصیبت امام حسن (علیه السلام)

ابن عباس روایت می کند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «آن گاه که فرزندم حسن مجتبی را با زهر شهید کنند تمام ساکنان آسمان و زمین بر او سوگواری می شوند. بدانید سوگواری و گریه بر مصیبت های فرزندم حسن بسیار فضیلت دارد. هرکس در مصیبت او گریه کند چشمان او در روزی که همه دیده ها نابینا خواهند بود روشن و بینا خواهد شد و دل او در روزی که تمام دل ها اندوهناک خواهند بود از غبار اندوه پاک خواهد شد و

هرکس که مرقد او را در بقیع زیارت کند، قدم های او در پل صراط، در روزی که قدم ها بر آن لرزان شوند، از لغزش در امان خواهد ماند».

وصایای آموزنده امام حسن (علیه السلام) به جُناده

جُنَادَة بن اَبی اُمیّه پس از مسموم شدن امام حسن (علیه السلام) به حضور آن حضرت رسید. پس از احوال پرسی، به امام (علیه السلام) عرض کرد: ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مرا موعظه کن. امام حسن مجتبی (علیه السلام) مطالب بسیار مهمّی بیان کردند و از جمله فرمودند: «ای جُناده خود را برای سفری که در پیش داری پیش از فرا رسیدن اجل مهیا کن. بدان تو همواره دنیا را طلب می کنی و مرگ هم تو را طلب می کند. اندوه روزی را که هنوز نرسیده است بر روزی که در آن هستی بار مکن... بدان در مال حلال دنیا حساب و در حرام آن کیفر و عقاب و در اموال شبهه ناک عتاب هست... برای دنیای خود به گونه ای تلاش کن که گویی همیشه در آن باقی خواهی ماند و برای آخرت به گونه ای کار کن که گویی همین فردا خواهی مُرد. اگر طالب عزّت بی عِدّه و عُدّه و هیبت بی مُلک و سلطنت هستی از خواری و ذلّت گناه و نافرمانی خدا پرهیز کن و به اطاعت از فرمان او خود را ملزم ساز».

آخرین گریه امام حسن (علیه السلام)

نقل شده است چون زهر در بدن مبارک امام حسن (علیه السلام) اثر کرد و حالت احتضار بدو دست داد، ناگهان اشک از چشمان آن حضرت سرازیر شد. حاضران عرض کردند: «ای فرزند رسول خدا، آیا شما نیز با این مقام و منزلت و قرابتی که با پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) دارید و با این همه عبادات و اطاعات در این لحظات گریه می کنید؟ حضرت فرمودند: «من برای دو چیز گریه می کنم: اوّل برای هیبت و وحشت روز قیامت که بسیار سخت است، دوّم به سبب فراق و دوری از دوستان که این نیز کار مشکلی است».

فضائل و مکارم امام حسن (علیه السلام)

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) به مناسبت های مختلف در توصیف امام حسن مجتبی (علیه السلام) سخن

گفته اند؛ از جمله فرمودند: «اگر قرار بود عقل به صورت یک انسان تجسم پیدا کند به صورت امام حسن (علیه السلام) ظاهر می شد».

امام حسن (علیه السلام) ، شبیه پیامبر (صلی الله علیه وآله) روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) خطاب به امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند: «أَشْبَهَتْ خُلُقِي وَ خُلُقِي؛ تو به لحاظ صورت و سیرت به من می مانی.»

بردباری امام حسن (علیه السلام)

از صفات برجسته و معروف امام حسن (علیه السلام) حلم و بردباری بود. به گونه ای که «الْجَلْمُ الْحَسَنِيَّةُ» در فرهنگ اسلامی ضرب المثل شده است. بردباری و سعه صدر آن حضرت به اندازه ای بوده است که سرسخت ترین دشمنان او نیز به این صفت همواره اعتراف داشتند. نقل می کنند وقتی جنازه امام حسن (علیه السلام) را پس از ممانعت عده ای از دفن آن درکنار مرقد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) ، به طرف بقیع حمل می کردند، ناگهان امام حسین (علیه السلام) متوجه شدند که مروان یکی از سرسخت ترین دشمنان برادر بزرگوارش امام حسن (علیه السلام) یک طرف تابوت را به دوش گرفته است. امام حسین (علیه السلام) از این کار او متعجب شدند و سپس از وی پرسیدند: «شما که تا برادرم زنده بود همواره مایه اندوه او بودید. چه شده که اکنون در تشیع جنازه اش شرکت کرده اید؟» مروان گفت: «آری این کارها را در حق کسی انجام دادم که حلم و خویشتم داری او با کوه ها برابری داشت».

عبادت امام حسن (علیه السلام)

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «حسن بن علی (علیه السلام) عابدترین مردم زمان خود بودند. آن گاه که به نماز می ایستادند اعضای بدنش از شدت خضوع در برابر عظمت پروردگار عالم به لرزه در می آمد و رنگ مبارکش دگرگون می شد». از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که امام حسن (علیه السلام) حدود بیست بار از مدینه به قصد زیارت خدا پیاده رفت و می فرمود از خدا شرم دارم که غیر پیاده به دیدارش بروم.

زهد امام حسن (علیه السلام)

نویسندگان تراجم به اتفاق گفته اند: حسن بن علی (علیه السلام) پس از جدّ بزرگوارش پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و پدر گرامی اش علی بن ابیطالب (علیه السلام) از همه مردم زاهدتر بودند. شخصی به نام مُدْرک بن زیاد می گوید: روزی در یکی از باغ های ابن عباس بودیم. غذای مناسبی آوردند. امام حسن (علیه السلام) دستور دادند که کارگران و خدمت گزاران را جمع کنند و آن غذای خوب را به آنها بدهند. مُدْرک می گوید: خود امام حسن (علیه السلام) لب به آن غذا نزدند و خود مشغول خوردن نان با قدری نمک شدند. وقتی به آن حضرت گفته شد شما خود چرا از آن غذای خوب میل نمی کنید، در جواب فرمودند: «إِنَّ ذَاكَ الطَّعَامُ أَحَبُّ عِنْدِي؛ این خوراک را بیشتر دوست دارم».

گذشت امام حسن (علیه السلام)

روزی امام حسن مجتبی (علیه السلام) از راهی عبور می کردند. مردی از اهل شام با آن حضرت روبرو شد و بدون مقدمه شروع به ناسزا گفتن نسبت به امام (علیه السلام) کرد. حضرت امام حسن (علیه السلام) هیچ عکس العملی نشان نداد. وقتی آن مرد از ناسزا گفتن باز ایستاد، امام (علیه السلام) به او نزدیک تر شده، با تبسم به او سلام کردند. آن گاه فرمودند: «اگر اجازه بدهید حاضرم به شما کمک کنم. اگر چیزی لازم داری آن را برایم فراهم کنم یا اگر راه را گم کرده ای آن را به تو نشان دهم و اگر گرسنه ای ترا سیر کنم. اگر فقری بی نیازت سازم. به هرحال اگر حاجتمندی حاضرم در برآوردن حاجت تو بکوشم». چون مرد شامی این رفتار را از امام حسن (علیه السلام) دید، ناگهان به گریه افتاد و گفت: «أَشْهَدُ أَنَّكَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛ گواهی می دهم که تو خلیفه خدا در روی زمین هستی».

احسان امام حسن (علیه السلام)

مردی خدمت امام حسن (علیه السلام) آمد و عرض کرد ای فرزند امیرالمؤمنین (علیه السلام) به حق آن خدایی که نعمت بسیار بر شما کرامت فرموده است تو را قسم می دهم که به فریاد من برسی و مرا از دشمنی که حرمت پیران را نگه نمی دارد و به کودکان و نوجوانان رحم نمی کند، نجات دهی. امام (علیه السلام) پرسید دشمن تو کیست تا از او دادخواهی کنم. آن مرد گفت: فقر است. امام (علیه السلام) به خادم خود دستور داد: «هرچه ثروت در نزد تو هست به او بده». او پنج هزار درهم حاضر کرد و به او داد. امام (علیه السلام) رو به مرد فقیر کرد و گفت: «تو را به خداوند متعال قسم می دهم که هروقت این دشمن بر تو رو آورد شکایتش را نزد من بیاور تا از

تو دفع شر کنم».

جان تو به جرم ناب نوشیدن سوخت	از جامه آفتاب پوشیدن سوخت
باغ دل «او» سوخت گر از بی آبی	باغ دل «تو» ز آب نوشیدن سوخت

هرگز دلی ز غم، چو دل مجتبی نسوخت	ور سوخت ز اجنبی، دگر از آشنا نسوخت
هر گلشنی که سوخت ز باد سموم سوخت	از باد نوبهار و نسیم صبا نسوخت
چندان دلش از سرزنش دوستان گداخت	کز دشمنان و زهر بدو ناسزا نسوخت
آن دم که سوخت حاصل دوران ز سوز زهر	در حیرتم که خرمن گردون چرا نسوخت
تا شد روان عالم امکان ز تن روان	جنبنده ای نماند کزین ماجرا نسوخت

سخنانی کوتاه از امام حسن (علیه السلام)

اهمیت سلام

قال الحسن (عليه السلام) : «مَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا تُجِيبُوهُ؛

کسی که پیش از سلام کردن شروع به سخن گفتن کرد جواب او را ندهید.»

نتیجه کنترل زبان

قال الحسن (عليه السلام) : «الصَّمْتُ سِتْرُ الْعَيِّ وَ زَيْنُ الْعِرْضِ وَ فاعِلُهُ فِي راحَةٍ وَ جَلِيسُهُ آمِنٌ؛

امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند: خاموشی پوشش عیب ها و مایه حفظ آبروست. هر که از این صفت برخوردار باشد همواره در آسایش است و همدم و هم نشین او نیز در امنیت به سر می برد.»

خیر و سعادت کامل

قَالَ الْحَسَنُ (عليه السلام) : «الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَّ فِيهِ الشُّكْرُ مَعَ النُّعْمَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ؛

خیری که هیچ بدی در آن نیست عبارت است از شکر در مقابل نعمت ها و صبر در برابر حوادث و رخدادهای ناگوار.»

نشانه کمال عقل

قَالَ الْحَسَنُ (عليه السلام) : «رَأْسُ الْعَقْلِ مُعَاشَرَةُ النَّاسِ بِالْحَمِيلِ؛

معاشرت نیکوداشتن با مردم نشانه کمال عقل انسان است.»

تعریف فرومایگی

شخصی از امام حسن (عليه السلام) سؤال کرد: پستی و فرومایگی چیست؟ آن حضرت فرمودند: «النَّظَرُ فِي الْيَسِيرِ وَ مَنْعُ الْحَقِيرِ. خرده بینی و اهمیّت دادن بیش از حدّ به امور کوچک و مضایقه کردن از اعطای چیزهای بی ارزش.»

ترک مستحب برای واجب

قَالَ الْحَسَنُ (عليه السلام) : «... إِذَا ضَرَّتِ النَّوَافِلُ بِالْفَرِيضَةِ فَارْقُضُوهَا؛

هنگامی که عبادت های مستحب به اعمال و عبادت های واجب آسیب رساند آنها را ترک کنید.»

اهمیت توجه به امور معنوی

قَالَ الْحَسَنُ (عليه السلام) : «عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيُجَنَّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ؛

تعجب می کنم از کسانی که در غذای جسم خود فکر می کنند ولی در امور معنوی و غذای روح خویش اندیشه نمی کنند؛ شکم خود را از طعام مضر حفظ می کنند ولی از افکار پلیدی که روان را می آلود پرهیز نمی کنند.»

توصیه درباره وصلت

شخصی به امام حسن (عليه السلام) عرض کرد: دختری دارم که به سن ازدواج رسیده است. با چه کسی وصلت کنیم؟ امام حسن (عليه السلام) فرمودند: «زَوِّجْهَا مِمَّنْ يَتَّقِي اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَ إِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمْهَا؛

او را به ازدواج کسی درآور که با تقوا و پرهیزگار باشد چرا که فرد باتقوا اگر او را دوست بدارد احترامش می کند و اگر او را دوست هم نداشته باشد به وی ستم نمی کند.»

بیناترین و شنواترین مردم

قَالَ الْحَسَنُ (عليه السلام) : «إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْخَيْرِ مَذْهَبُهُ وَ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذْكَيرَ وَ انْتَفَعَ بِهِ، أَسْلَمَ الْقُلُوبَ مَا طَهَّرَ مِنَ الشُّبُهَاتِ؛

بیناترین دیده ها آن است که خیربین باشد و شنواترین گوش ها آن است که پذیرای پند و اندرزها باشد و از آن سود ببرد و قلب سلیم قلبی است که از شبهات پاکیزه باشد.»

معنی مجد و عظمت

سُئِلَ الْحَسَنُ (عليه السلام) : «فَمَا الْمَجْدُ؟ قَالَ: أَنْ تُعْطِيَ فِي الْعُرْمِ وَأَنْ تَعْفُو عَنِ الْجُرْمِ؛

از امام حسن (عليه السلام) سؤال شد: عظمت و بزرگی در چیست؟ آن حضرت فرمودند: عبارتست از بخشش مال به هنگام نیاز و گذشتن از خطا.»

سیاست از دیدگاه امام حسن (عليه السلام)

شخصی از امام حسن (عليه السلام) معنای سیاست را پرسید. آن حضرت فرمودند: «سیاست آن است که حقوق خدا و حقوق بندگان زنده و بنده های درگذشته خدا را رعایت کنی». آن گاه برای توضیح بیشتر فرمودند: «حقوق خدا آن است که آن چه را خدا از انجام واجبات و ترک محرمات تکلیف کرده به طور کامل رعایت کنی. حقوق بندگان زنده آن است که وظایف خود را نسبت به برادران دینی انجام دهی. در خدمت گذاری برادر دینی درنگ ننمایی و نسبت به رهبر جامعه اسلامی تا زمانی که نسبت به مردم اخلاص دارد اخلاص داشته باشی و هر وقت از راه راست منحرف شد، اعتراض کنی. حقوق بندگان در گذشته یاد کردن نیکی ها و چشم پوشیدن از بدی های آنهاست.»